



۲۰۱۶/۰۴/۲۳



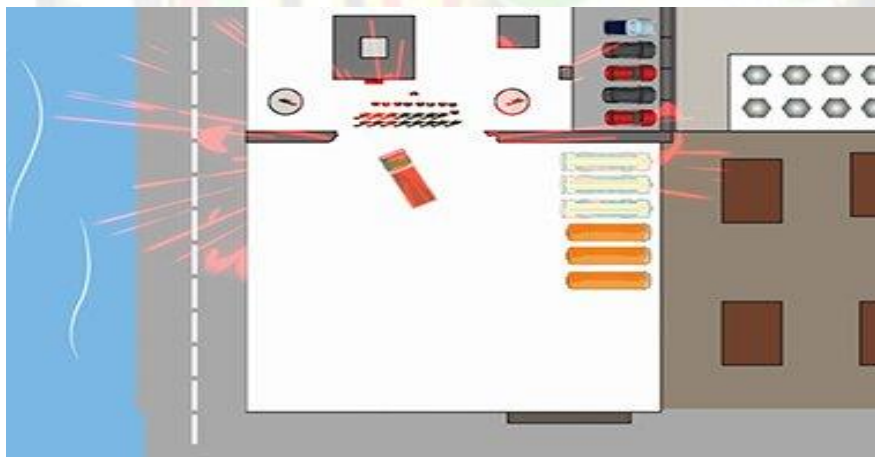
حمید انوری

## دستان خون آلود "آی اس آی" از آستین چرکین "ریاست امنیت" بیرون شد!!!

حملات وحشتبار و خونین انتحاری اخیر در قلب کابل که قرار تازه ترین گزارشات ۶۴ کشته و ۳۷۵ زخمی و مجروح داشته است، یکی از بزرگترین و خونین ترین حملات انتحاری در کابل بوده است. فاجعه زمانی به اوجش میرسد که پس از انفجار وحشتبار و خونین متذکره، دو یا سه نفر از تروریستان بی وجدان ملیس با یونفورم ماموران "ریاست امنیت" داخل این ریاست می شوند و همه را گلوله باران میکنند. و اما چرا این جنایت خونبار و وحشت انگیز "آی اس آی"، سر از گریبان چاک "ریاست امنیت" کشیده و دستان خون آلود سازمان جاسوسی پاکستان از آستین چرکین "ریاست امنیت" افغانستان بیرون می شود و چگونه؟ نخست نگاهی می اندازیم به گزارشی از "طلوع نیوز":

[ حمله بر ریاست امنیت رجال برجسته سیاسی چگونه انجام شد؟

چهارشنبه ۱ ثور ۱۳۹۵



اطلاعاتی که به طلوع نیوز رسیده اند، نشان می دهند که یک موتر باربری پر از مواد منفجره از درون سرای مربوط به حاجی نعیم کوچی، این ریاست را آماج قرار داد. سپس چند حمله کننده از راه همین سرای به این ریاست حمله کردند و گزارش های وجود دارند که یکی از حمله کنندگان از راه همین سرای فرار کرد. در این رویداد ۵۲ کارمند این ریاست جان باختند. ریاست امنیت رجال برجسته سیاسی در همسایگی مسجد عیدگاه موقعیت دارد. تمامی طرف های این ریاست به شدت محافظت می شد، اما در غرب این ریاست سرایی است مربوط به حاجی نعیم کوچی، یکی از افراد پر نفوذ کوچیان.

موتر پر از مواد منفجره از جاده میوند به درون این سرای آمده بود و در کنار دیوار این ریاست توقف کرده بود.

در کمتر از یک دقیقه پس از توقف، موتر منفجر شد و دیوار میان این ریاست و سرای حاجی نعیم کوچی فرو ریخت. در این رویداد حدود ۱۵ کارمند تازه این نهاد امنیتی، که در پشت این دیوار آموزش می دیدند، جان باختند.

۲ نگهبان این ریاست که بر دو برج نگهبانی می کردند و ۵ کارمند دیگر این ریاست در سه ساختمان دیگر نیز در نتیجه موج این انفجار جان باختند.

در حدود دو دقیقه پس از این رویداد، چند تفنگدار، که لباس کارمندان امنیت رجال برجسته سیاسی را بر تن داشتند، از راه سرای حاجی نعیم کوچی به این ریاست حمله کردند. مهاجمان در نخستین ساختمان این ریاست، که بخش آموزشی این ریاست است، حدود ۲۰ کارمند این ریاست را گلوله باران کردند.

۱۰ کارمند دیگر این ریاست، که به گوشه یی پنهان شده بودند، نیز از سوی حمله کنندگان کشته شدند. این درگیری بیش از ۲ ساعت ادامه داشت و یکی از این حمله کنندگان پس از دور کردن لباس های نظامی اش از راه سرای نعیم کوچی فرار کرد.

در این رویداد ده ها موتر دولتی، که در سرای حاجی نعیم کوچی ایستاد بودند، ویران شدند و رانندگان شماری از این موترها جان باختند.

رئیس جمهور نزدیک به سه ماه پیش، رئیس و ۲ معاون ریاست امنیت رجال برجسته را برکنار کرده بود و در بیشتر از سه ماه اخیر، این ریاست از سوی «سرپرست» اداره می شد. رئیس جمهور غنی «مدیر تدارکات» شفاخانه سردار محمد داؤود را بحیث «سرپرست» این اداره تعیین کرده بود.

از سوی دیگر، مقام های این ریاست در سال های اخیر سرای حاجی نعیم کوچی را بخش آسیب پذیر شناسایی کرده بودند و کوشیده بودند تا این سرای را استملاک کنند، اما گفته می شود که به علت نفوذی که حاجی نعیم کوچی دارد، این کار انجام نشده بود.]

نخست چگونه جنابان عقل کُل، یکی از مهم ترین و اساس ترین ریاست های سازمان جاسوسی شانرا درست در کنار یک مسجد جامع و یک سرای عمومی و در وسط شهر و یک منطقه پُر ازدحام انتخاب کرده اند؟! این انتخاب نمی تواند از یک عقل سلیم نمایندگی کند.

دوم دیگر اینکه "سرای حاجی نعیم کوچی" در موقعیت در به دیوار "ریاست امنیت"، چرا هرگز مسدود نشد و کدام مقام یا مقام های زورآور مانع مسدود شدن آن گردیدند؟

این افراد که در تقابل با ریاست امنیت با تمام قدرت و امکانات گسترده آن قرار گرفته و مانع بستن درب آن گردیده و در نتیجه این کشتار عظیم هموطنان ما را باعث گردیده اند، جوابگوی این جنایت اند.

"حاجی نعیم کوچی" را باید بدون اندک ترین تعلل به محکمه کشانید تا در پیشگاه ملت جوابگوی سرزوری ها و قانون شکنی هایش باشد. و بعد هم آن افراد قدرتمند را که در مقابل ریاست امنیت از حاجی نعیم کوچی حمایت کرده اند، در یک محکمه علنی مورد بازخواست قرار داده و جریان آنرا بصورت مستقیم و زنده از تمام تلویزیونهای کشور پخش کنید تا "سپه روی شود هرکه در او غش باشد".

و این هم چند و چون قضیه از یک زاویه دیگر:

{ ظهیر سعادت: قبل از حمله تعداد نیروهای امنیتی با سلاح های خفه کن کشته شدند

خبرگزاری بخی - چهارشنبه ۰۱ ثور ۱۳۹۵ ساعت ۲۰:۲۲

یک عضو مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) کشور خواستار بررسی همه جانبه رویداد حمله به ریاست محافظت رجال برجسته مربوط به اداره امنیت ملی شده است.

ظهیر سعادت، عضو مجلس امروز گفت، علایم و نشانه هایی از ضربات مرمی توسط تفنگچه های که به صدا خفه کن مجهز بوده، در اجساد قربانیان ماموران امنیتی دیده می شود.

آقای سعادت که در جلسه عمومی مجلس صحبت می کرد تاکید کرد که تعدادی از نیروهای امنیتی قبل از انفجار موتر بمب گذاری شده و حمله مهاجمان، توسط این سلاح ها کشته شده اند.

او گفت: "اگر شما شهدا را ببینید اکثر شان توسط سلاح های خفه کن زده شده اند، یعنی قبل از حادثه و انفجار این نیروها با تفنگ و مرمی کشته شده اند و بعدا انتحار صورت می گیرد".

برخی دیگر از اعضای مجلس می گویند که برخی ها از داخل اداره محافظت رجال برجسته با مهاجمان همکاری کرده اند.

حمله دیروز کابل به ریاست ده اداره امنیت ملی، بزرگترین و خونبار ترین حمله در سال های اخیر در افغانستان خوانده شده است.

گروه تروریستی طالبان با انتشار اعلامیه ای مسوولیت این حمله را به عهده گرفته است.

برخی از کاربران شبکه های اجتماعی انتقال موتر مملو از مواد انفجاری را تا چند قدمی اداره امنیت ملی سوال برانگیز خوانده است و برخی دیگر هم گفتند مالک سرای که این موتر در آنجا پارک شده بود باید مورد بازپرس همه جانبه قرار بگیرد.

این حمله با عکس العمل تند مردم مواجه شده و پیام های منتشر شده در صفحات شبکه های اجتماعی نارضایتی گسترده مردم از کارکرد حکومت وحدت ملی را نشان می دهد.

آنها خواستار عکس العمل جدی حکومت در برابر گروه های تروریستی طالبان و شبکه حقانی و همچنان سازمان استخبارات نظامی پاکستان شده اند.

در جلسه عمومی پارلمان نیز از عملکرد و نرمش حکومت در برابر طالبان به شدت انتقاد شد و حتی برخی از اعضای ولسی جرگه سران و رهبران مجاهدین را در کشاندن افغانستان به بحران امروز مقصر خوانده اند.

اکنون با اندکی دقت به این ادعای نماینده "مردم" در پارلمان کشور، دیده می شود که چگونه دستان خون آلود سازمان جاسوسی پاکستان از آستین چرکین و گشاد "ریاست امنیت" در کابل بیرون می شود.

قرار همین راپور بالا که وکیل پارلمان از منابع اطلاعاتی خویش به دست آورده است و با اطمینان تمام در جلسه علنی پارلمان آنرا مطرح کرده است، گویا قبل از عملیات انتحاری متذکره، در داخل محوطه همین ریاست اختصاصی امنیت، دستان جنایت گستر و خون آلوده ئی با آرامش کامل و خونسردی تمام با سلاح های دست داشته شان که مجهز با صدا خفه کن بوده اند، کارمندان این ریاست را یک یک به قتل میرسانند و بعد نوبت به حملات انفجاری و انتحاری میرسد و باقی قضایا...

و باز هم در خور دقت بیشتر این است که هم آنانی که از داخل مشغول جنایت بوده اند و هم آنانیکه از بیرون قرار نقشه مرتبه قبلی از بیرون وحشیانه دست به حمله زده و این جنایت عظیم را به اوجش رساندند، همه

لباس یا یونیفورم اختصاصی کارمندان" ریاست امنیت رجال برجسته سیاسی" ( که ما را نه با "رجال" آن کاریست و نه با "برجسته" و نه هم با "سیاسی" آن) را به تن داشتند.

حال اگر پارچه های خورد و بزرگ این معما را با دقت پهلوی هم قرار دهیم، حل معما ساده می شود و سر نخ به دست خواهد آمد و خواهیم فهمید که دستان خون آلود "آی اس آی" پاکستان چگونه از آستین چرکین "ریاست امنیت" بیرون می شوند و در قلب پایتخت و در چند قدمی قصر ریاست جمهوری یک منطقه بزرگ را به آتش و خون و خاکستر می کشاند و بیشتر از ۴۰۰ نفر از هموطنان بی گناه ما را غرقه در خون ساخته و از کشته ها پشته ها می سازند. جالب تر از همه اینکه بعد از دو ساعت جنگ و زد و خورد و در گرماگرم آن جهنم سوزان، یکی از مهاجمان با خیال راحت لباس خود را تبدیل کرده و خرامان از راه همان سرای که وارد شده بود، دوباره خارج می شود و می رود پی کارش تا در یک فرصت دگر بازهم بگونه دیگر ظاهر گردیده و جنایت دیگری را رقم زند.

اینکه این حملات وحشتناک و خونین و این جنایت ننگین از خارج کشور طرح ریزی گردیده و یا داخل، هیچ مشکلی را حل نکرده و نمی کند. این هرگز چاره اساسی نیست که داد و فریاد براه انداخته و یخن این و آن را گرفت و بعد به اصطلاح به غندی خیر نشست. وظیفه "ریاست امنیت ملی" چه است؟! اصلاً بهتر این خواهد بود تا قبل از اینکه یخن دیگران را بگیریم، سری در گریبان خود کنیم و کمی ها و کاستی های خود را نشانی کرده و در رفع آنها صادقانه تلاش کنیم.

ریاست امنیت کشور دو رئیس را در یک سال به تجربه نشسته است، وزارت داخله همچنین، وزارت دفاع تا هنوز هم خلاف قانون وزیر سرپرست دارد، قوم و قوم بازی بیداد میکند، تقسیم چوکی ها و مقامات لشکری و کشوری بین رئیس جمهور و رئیس اجرائیه، هردو را بجان هم انداخته است، معاون اول رئیس جمهور هر گاه و ناگاهی با لا و لشکر خود نمایشات جنگی براه می اندازد و خط و نشان میکشد و...

در این گونه اوضاع و احوال شاریده و ویران و این داد و معامله های پیدا و پنهان، فقط جای یک تروریست کم بود، اما گویا "سیال که از سیال پس ماند، بینی اش از بریدن است"، پس آن دزد سوم هم چندیست که یک مشت افراد بیکار و بی روزگار خود را به کابل گسیل داشته که مهمان عزیز به اصطلاح "شورای صلح" اند و در تقسیم و ترکه کشور مشغول مهمانی و چانه زنی. هیچ کسی حتی برای یکبار هم سر در گریبان نمی کند و همه با روش های مختص به خود شان تلاش دارند تا لقمه چرب تر از این خوان "خدا داد" بردارند.

چنین است اوضاع و احوال کشور و مردم دربند کشیده شده آن. تا نخست اصلاح را از خود آغاز نکنیم، محال است همسایه خود را اصلاح نمائیم. رئیس جمهور وعده میدهد که تا شش ماه دیگر به یک صلح شرافتمند می رسیم، اما چگونه، خودش نیز نمی داند!!!